

## The Two-Way Framework between Cultural Landscape and Urban Regeneration

### Abstract

In recent decades, urban regeneration has emerged as a vital measure for urban development, aimed at addressing and resolving various urban problems. In addition to serving as a strategy for revitalizing distressed urban areas, urban regeneration also reflects a specific set of approaches shaped by its flexible dimensions and principles. This flexibility has helped refine its conceptual framework, strengthen its theoretical foundation, and enhance the effectiveness of implementation. As urban expansion has not only altered the physical landscape but also impacted various aspects of urban life, including culture and the environment, resulting in a significant gap between humans and their natural surroundings. With its holistic view of humans and nature, the concept of the cultural landscape offers an effective approach to urban regeneration, emphasizing the interaction between people, the environment, culture, and nature. Additionally, the principles of management and execution in urban regeneration provide essential tools for landscape revitalization. The aim of this research is to develop a comprehensive two-way framework that illustrates the dynamic interaction between cultural landscapes and urban regeneration. In this framework, it is essential to recognize that cultural landscapes play a significant role in enriching the theoretical and conceptual underpinnings of urban regeneration. Conversely, urban regeneration harnesses its operational and executive capacity to actively conserve, preserve, and revitalize the values found within these cultural landscapes. Ultimately, the study demonstrates how this reciprocal relationship can contribute to a more integrated and holistic approach to urban renewal—one that respects historical and cultural continuity while fostering resilience and vibrancy for future urban environments. The current research adopts a qualitative and analytical approach, referencing the most recent sources and articles. Initially, the concepts of cultural landscape and urban regeneration are explored, followed by an examination and analysis of their components. It identifies two categories of values associated with the cultural landscape concept: primary values and over-time values. Primary values encompass physical, functional, and semantic values. Over-time values refer to values added to landscapes through interaction with temporal and spatial contexts, which may evolve into primary values over time. The components of dimensions and principles in urban regeneration represent the various aspects and scales of intervention, while the principles summarize shared guidelines derived from expert

Received: 28 May 2024

Received in revised form: 05 Aug 2024

Accepted: 18 Sep 2024

**Mohammad Sadegh Falahat<sup>1</sup>**  (Corresponding Author)

Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Engineering, Zanjan University, Zanjan, Iran.

E-mail: safalahat@znu.ac.ir

**Niloofar Garshasbi<sup>2</sup>** 

Master. of Architecture, Department of Architecture, Faculty of Engineering, North Tehran branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

E-mail: nr.garshasbi@znu.ac.ir

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2025.387450.673036>

consensus. Ultimately, these four components create a two-way framework that enhances the conceptual foundations of urban regeneration and increases the operational capacity of cultural landscapes. In doing so, the study underscores the convergence of theory and practice in creating more sustainable and culturally rooted urban development strategies.

### Keywords

Cultural Landscape, Urban Regeneration, Interaction, Cultural Landscape Values, Dimensions and Principles of Urban Regeneration

**Citation:** Falahat, Mohammad Sadegh; Garshasbi, Niloofar (2024). The two-way framework between cultural landscape and urban regeneration, *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 29(3), 57-71. (in Persian)



## چارچوب دوسویه میان منظر فرهنگی و بازآفرینی شهری

### چکیده

بازآفرینی شهری، یکی از تدابیر توسعه شهری است که به دلیل ابعاد و اصول منعطف خود، اغلب با رویکردی خاص همراه شده و سمت‌وسویی مشخص یافته که در آن بنیان‌های نظری استوارتر و اقدامات اجرایی عملیاتی‌تر گردیده است. امروزه، گسترش شهرها علاوه بر تغییر فضای کالبدی، بر وجوه دیگری از جمله فرهنگ و محیط‌زیست تأثیرگذار بوده

و شکاف عمیقی میان انسان و بستر طبیعی او به وجود آورده است. منظر فرهنگی به‌واسطه تبیین ارزش‌های برآمده از تعامل انسان و محیط، اسلوب مؤثری ارائه می‌دهد که در آن بنیان‌های بازآفرینی بر ارزش‌ها متمرکز شده و از طرف دیگر توان اجرایی بازآفرینی نیز در خدمت تجدید حیات مناظر به کار گرفته شود. هدف این پژوهش دستیابی به چارچوبی دوسویه به‌منظور تعامل میان منظر فرهنگی و بازآفرینی شهری است که با روش مطالعه کیفی و تحلیلی و با تأمل بر مفاهیم منظر فرهنگی و بازآفرینی انجام شده است. این پژوهش در انتها به مؤلفه ارزش‌های نخستین و ارزش‌های درگذر زمان از مفهوم منظر فرهنگی و دو مؤلفه ابعاد و اصول برآمده از مطالعات بازآفرینی شهری دست می‌یابد که در نهایت این چهار مؤلفه، چارچوبی دوسویه ارائه می‌دهد که از یک‌سو موجب ارتقاء بن‌مایه‌های مفهومی بازآفرینی شده و از سوی دیگر باعث تحقق عملیاتی حفاظت و توسعه ارزش‌ها گردیده که در نهایت سبب همگرایی بنیان‌های نظری و عملی میان منظر فرهنگی و بازآفرینی می‌شود.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۰۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۶/۲۸

محمدصادق فلاحت<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول): دانشیار گروه معماری، دانشکده مهندسی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.  
E-mail: safalahat@znu.ac.ir

نیلوفر گرشاسبی<sup>۲</sup>: کارشناس ارشد معماری، گروه معماری، دانشکده مهندسی، واحد تهران شمال دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
E-mail: nr.garshasbi@znu.ac.ir

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2025.387450.673036>

### واژه‌های کلیدی

منظر فرهنگی، بازآفرینی شهری، تعامل، ارزش‌های منظر فرهنگی، ابعاد و اصول بازآفرینی

استناد: فلاحت، محمدصادق و گرشاسبی، نیلوفر (۱۴۰۳)، چارچوب دوسویه میان منظر فرهنگی و بازآفرینی شهری، نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۹(۳)، ۵۷-۷۱.

## مقدمه

هسته اولیه بسیاری از شهرها در زمینه‌ای تاریخی و طبیعی شکل گرفته که در یک قرن اخیر در حوزه ادبیات شهری از آن‌ها با نام منظر فرهنگی یاد می‌شود، این مناظر از آنجا که بستری کالبدی و طبیعی برای زندگی و فرهنگ مردمان فراهم کرده‌اند، تجلی‌گاه تعامل میان طبیعت و انسان هستند و این تعامل، ارزش‌هایی مادی و معنوی را پدید آورده است. یکی از چالش‌های اساسی در شهرها این است که بسیاری از منظرهای فرهنگی در معرض تهدید قرار دارند. در بعضی از مناطق به دلیل توسعه شهرنشینی و توسعه برنامه‌ریزی نشده زیرساخت‌ها، معاصر سازی تکنیک‌های استفاده از زمین، آلودگی‌ها، آشوب‌های مدنی و یا گردشگری ناپایدار، منظرهای فرهنگی در حال تخریب هستند (طهماسبی و حقیقت‌بین، ۱۴۰۰، ۲). امروزه یکی از راهکارها برای تجدید حیات بافت‌های ناکارآمد، مسئله‌دار، فرسوده و تاریخی، بازآفرینی شهری است. علاوه بر مناطق تاریخی، بازآفرینی شهری برای احیاء و بازیابی دارایی‌های زیست‌محیطی شهری نیز پیشنهاد شده است (Lak et al., 2021, 1).

به‌موازات جریان بازآفرینی شهری، موضوع حفاظت شهری نیز یکی از مباحث قابل توجه برای احیاء و تجدید حیات منظرهای فرهنگی است. در سیر تغییر و تکامل این دو جریان برخی صاحب‌نظران به دلیل نزدیک شدن مفاهیم بازآفرینی و حفاظت شهری به یکدیگر، این دو را رویکردی واحد و یکپارچه به حساب می‌آورند (ستایش مهر و همکاران، ۱۴۰۱، ۶۸). بسیاری از مطالعات انجام‌شده، توجه و همراهی برنامه‌های توسعه شهری با حفاظت را ضروری دانسته و حفاظت از منابع و سرمایه‌های شهری را لازمه و زمینه‌ساز توسعه مطرح کرده‌اند (Lichfield, 2009). امروزه، اصطلاح «حفاظت و بازآفرینی شهری» به‌طور گسترده‌ای برای بیان گنجانند ابعاد اقتصادی و اجتماعی در برنامه‌ریزی حفاظت شهری و بازتاب اهمیت برنامه‌ریزی یکپارچه استفاده می‌شود (Peera-pun, 2012, 244). گونای در پژوهش خود بازآفرینی شهری و حفاظت شهری را هم‌ارستا می‌داند و معتقد است که بازآفرینی و حفاظت اغلب بسته به خوانش فرایندهای طی شده، مکمل یکدیگرند (Gunay, 2010, 1176). اشورث و تانبریج در مقاله‌ای به‌منظور بازآفرینی منطقه میراث جهانی ولتا، فرایند پیچیده‌ای برای بازآفرینی شهری ارائه می‌دهند که حفاظت، بازسازی، پاک‌سازی و خلق مجدد را دربر می‌گیرد (Ashworth & Tunbridge, 2017, 495-496). صحتی‌زاده و ایزدی در پژوهش خود با بررسی سیر تحول سیاست‌های بازآفرینی و حفاظت در اروپای غربی، به این نتیجه دست می‌یابند که دو فرایند ضروری حفاظت و توسعه اکنون به‌مثابه دو جریان مکمل مورد عمل است و متولیان با تدوین سیاست‌های مشترک به رویکردی همه‌جانبه نگر و یکپارچه در ارزش‌گذاری بافت‌های شهری دست یافته و برنامه‌های خود را بر آن استوار ساخته‌اند (صحتی‌زاده و ایزدی، ۱۳۸۳، ۲۰). عادلی و عباسی در مقاله‌ای روند توسعه شهر یزد در بازه تاریخی قرن ۵ تا ۱۳ را مدلی مطلوب از توسعه می‌دانند که ضمن پاسخ به نیازهای جدید شکل مناسبی از حفاظت را تصویر می‌نماید (عادلی و عباسی، ۱۳۹۴، ۵۲). حناچی و فدائی نژاد نیز در مقاله‌ای، معیارهای سرزندگی اقتصادی و برجستگی را به‌منظور تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه ارائه کردند و حفاظت و توسعه را به‌مثابه دو جریان مکمل موردتوجه قرار داده‌اند (حناچی و فدایی نژاد،

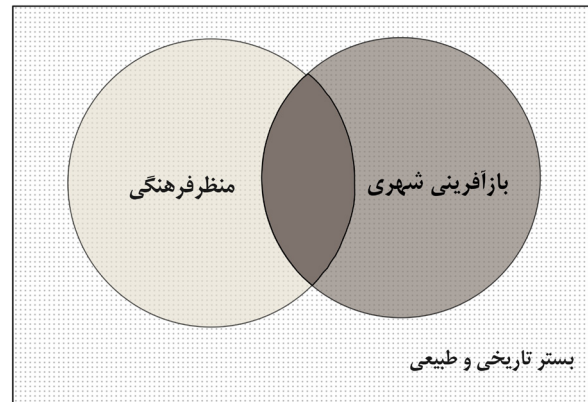
۱۳۹۰، ۲۴). ستایش مهر، ناسخیان و ولی بیگ نیز در پژوهش خود به این نتیجه می‌رسند که حفاظت شهری صرفاً رویکردی حفاظتی بدون توجه به توسعه، و بازآفرینی شهری صرفاً رویکردی توسعه‌ای بدون توجه به حفاظت نیست. بلکه هر دو به‌طور توأمان به مؤلفه‌های حفاظت و توسعه توجه دارند، اما تفاوت آن‌ها در اولویت‌بندی توجه به این مؤلفه‌هاست (ستایش مهر و همکاران، ۱۴۰۱، ۷۸). در این پژوهش نیز حفاظت و بازآفرینی هم‌راستای یکدیگر در نظر گرفته‌شده و بر پایه مطالعات، حفاظت یکی از اصول بازآفرینی شهری عنوان شده است.

از اهداف اصلی بازآفرینی شهری، بهبود، بازسازی و تقویت همه‌جوه کالبدی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و زیست‌محیطی و در کل بهبود زندگی است که برای دستیابی به این اهداف از مجموعه‌ای از برنامه‌ها و اقدامات عملی بهره می‌برد. با این حال چالشی که بازآفرینی شهری همواره با آن مواجه است، حفظ هویت و خاطره مکان‌ها و هم‌چنین رابطه تنگاتنگ بین تاریخ فعالیت‌های انسانی و فضا‌مندسازی آن‌ها است (La-zarević, Arbutina & Popović, 2022, 5). که رویکرد منظر فرهنگی می‌تواند پاسخ مناسبی برای آن باشد. بحران اقتصادی معاصر و هم‌چنین بحران اکولوژیکی و اجتماعی مدل جدیدی از توسعه شهری را می‌طلبد. امروزه بحث بین‌المللی بر ضرورت وجود یک پارادایم جدید متمرکز است که سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه پایدار را تعریف می‌کند: این پارادایم جدید مفهوم توسعه را به سمت دیدگاهی انسان‌مدارتر و زیست‌محیطی‌تر حرکت می‌دهد (Nocca & Fusco Girard, 2018, 33). اصول برنامه‌ریزی و تدابیر توسعه‌ای باید به‌گونه‌ای تدوین شوند که هم به فرهنگ و هم به طبیعت حساس‌تر باشند و امکان شناخت بیشتر نسبت به ارزش‌های محلی و دانش سنتی را تسهیل کنند (Wahurwagh & Dongre, 2015, 944).

رفع چالش‌ها و پاسخ به دغدغه‌های منظر فرهنگی و بازآفرینی شهری، که هر یک به شکلی جداگانه با آن مواجه هستند، در توانمندی‌ها و ظرفیت‌های طرف مقابل نهفته است. منظرهای فرهنگی با داشتن ظرفیت‌های بالقوه طبیعی و فرهنگی و نیز ماهیت معنا بخش و هویت‌بخش خود می‌تواند بن‌مایه‌ها و بنیان‌های نظری ژرف‌تر و معنامندتری را برای بازآفرینی تقویت کند. بازآفرینی هم به دلیل ماهیت جامع و انعطاف‌پذیر، توانمندی در توسعه برنامه‌ریزی شده و مدیریت‌شده و نیز اقدامات عملیاتی و اجرایی می‌تواند راهبرد مناسبی برای تجدید حیات مناظر باشد. پژوهش‌های انجام‌شده تاکنون نگرشی یک‌سویه به نسبت میان منظر فرهنگی و بازآفرینی داشته‌اند، به‌این ترتیب که این مطالعات در حالت اول بر بازآفرینی و تجدید حیات منظرهای فرهنگی تمرکز داشته و در حالت دوم، بر مفهوم منظر فرهنگی به‌عنوان رویکردی برای تحقق بازآفرینی شهری تأکید کرده‌اند. همان‌طور که در مدل مفهومی پژوهش ارائه شده است (تصویر ۱)، این پژوهش برآنست که با تأمل بر مفهوم منظر فرهنگی و ارزش‌های آن و همین‌طور تأکید بر ماهیت بازآفرینی و شاخصه‌های مؤثر در تحقق آن، رابطه‌ای دوسویه و پایدار میان این دو برقرار کند تا ارزش‌ها و ظرفیت‌های مناظر، توان مدیریتی، اجرایی و عملیاتی برای بازآفرینی و احیاء مجدد پیدا کنند و در طرف مقابل، بازآفرینی نیز در بنیان و اصول خود رنگ و بوی ارزش‌ها را گرفته که در شناخت، برنامه‌ریزی و تدوین اصول محقق می‌شود. در نیل به این هدف،

به منظور بازآفرینی منظرهای فرهنگی تبیین شده است. در این نسبت، بازآفرینی به عنوان راهبرد و نوعی برنامه جامع برای احیاء و تجدید حیات منظرهای فرهنگی به کاررفته است و به این پرسش پاسخ می‌دهد که چگونه بازآفرینی می‌تواند ارزش‌های منظرهای فرهنگی را احیا و تقویت کند. این گروه از مطالعات، حفاظت را در کنار بازآفرینی و یا بخشی از بازآفرینی در نظر گرفته‌اند. از آن جمله، نوکا و جرارد در پژوهشی با هدف شناسایی و ارزیابی ارزش‌های میراث و منظر فرهنگی، نشان می‌دهند که میراث فرهنگی می‌تواند به بهره‌وری جامع در مقیاس محلی کمک کند. حفاظت و بازآفرینی از منظر فرهنگی شهری می‌تواند کاتالیزوری مؤثر برای تحریک اقتصادهای محلی و منطقه‌ای باشد. با این حال، فقط مؤلفه اقتصادی نمی‌تواند مزایای چندبعدی حفاظت/بازآفرینی از میراث فرهنگی را به تصویر بکشد و به ادغام مؤلفه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی با مؤلفه اقتصادی نیاز است تا بتوان ارزیابی یکپارچه‌ای از ارزش میراث و منظر فرهنگی به دست آورد (Nocca & Fusco Girard, 2018, 47). در مطالعه دیگر که پورجعفر و دهقانی به انجام رسانیده‌اند به نقش بازآفرینی منظرهای فرهنگی در ارتقاء کیفیت شهروندی پرداخته شده است. این مطالعه ادعان می‌دارد بازآفرینی منظرهای فرهنگی با هدف حضور پایدار شهروند، از طریق غنی ساختن تجربه فضاهای جمعی و مشارکتی صورت می‌پذیرد. حمایت از کارآفرینی در مقیاس محلی و به تبع آن حمایت از اقتصاد محلی سبب ماندگاری و ارتقاء کیفیت و امنیت محیط، و نیز ایجاد تعامل و هماهنگی پیوسته میان نقش و عملکرد فضا قابلیت ماندگاری و حضور پذیری مجدد در فضا را افزایش خواهد داد (Pourjafar & Dehghani, 2011, 93). در ادامه این دسته از مطالعات، طهماسبی و حقیقت‌بین به نقش بازآفرینی منظرهای فرهنگی در توسعه پایدار پرداخته‌اند. در این پژوهش و در راستای حفاظت از منظرهای فرهنگی، با توجه به مؤلفه‌های فرهنگی، طبیعی و انسان‌ساخت منظرهای فرهنگی، راهبرد حفاظت و بازآفرینی یکپارچه یا بازآفرینی پایدار به عنوان راهبردی که نگاه جامع به ارزش‌های همه‌جانبه منظرهای فرهنگی دارد و ابعاد مختلف فرهنگی، محیط زیستی و اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد می‌تواند به عنوان راهبردی مناسب در حفاظت و بازآفرینی منظرهای فرهنگی مورد استفاده قرار بگیرد (طهماسبی و حقیقت‌بین، ۱۴۰۰، ۱۱). ارتباط دیگری که در مطالعات بین منظر فرهنگی و بازآفرینی برقرار شده است، منظر فرهنگی را رویکردی برای بازآفرینی در نظر گرفته که در آن هدف، چارچوب نظری و راهکارهای عملیاتی بازآفرینی با توجه به مفهوم منظر فرهنگی تکمیل و تبیین شده است. این مطالعات به این پرسش پاسخ می‌دهند که چگونه می‌توان با توجه به ارزش‌های فرهنگی و طبیعی در منظر فرهنگی، بازآفرینی را ارزشمند کرد. برای مثال راتولیا و همکاران در مطالعه خود نشان می‌دهند که رویکرد منظر فرهنگی می‌تواند گام مهمی در روند بازآفرینی شهری و هم‌چنین توسعه پایدار شهر و منطقه داشته باشد. این رویکرد، غیرتجانسی است و می‌تواند به عنوان منبعی برای

تلاش شده با مراجعه به اسناد و متون، مرور آرا و اندیشه‌های نظریه‌پردازان، شناخت دقیقی از مفهوم منظر فرهنگی و مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن و نیز بازشناخت جامع‌تری از ابعاد و اصول بازآفرینی ارائه شود و در نهایت با مؤلفه ارزش‌های منظر فرهنگی و ابعاد و اصول بازآفرینی شهری و تعامل درونی هر یک از مؤلفه‌ها، چارچوبی دوسویه را تبیین کند.



تصویر ۱. مدل مفهومی پژوهش: ارتباط میان منظر فرهنگی و بازآفرینی شهری.

## پرسش‌های پژوهش

– چه نسبتی می‌توان میان منظر فرهنگی و بازآفرینی شهری برقرار نمود؟

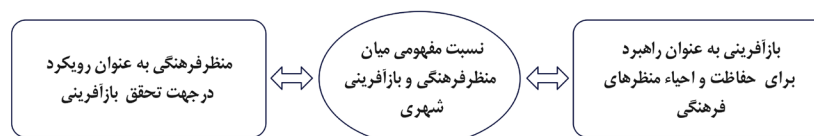
– چه مؤلفه و یا مؤلفه‌هایی می‌تواند چارچوب دوسویه میان مفهوم منظر فرهنگی و بازآفرینی شهری برقرار کند؟

## روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش تحقیق کیفی و بر اساس روش تحلیل محتوایی انجام شده است. داده‌های کیفی از طریق بررسی آراء صاحب‌نظران و با مراجعه به اسناد و مرور آن‌ها در زمینه بازآفرینی و نیز واکاوی در مطالعات انجام شده در حوزه منظر فرهنگی استخراج گردیده است. به منظور دستیابی به چارچوبی نوین از بازآفرینی ابتدا به کندوکاو در مؤلفه‌های منظر فرهنگی و سپس به تبیین ابعاد و اصول بازآفرینی پرداخته شده است. روش تحقیق در این مقاله، روشی کیفی است و از شیوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت اسنادی، مبتنی بر جمع‌آوری آخرین اطلاعات از کتب، مجلات و مقالات استفاده شده است.

## پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که در آن به‌طور مشخص، به هر دو موضوع بازآفرینی و منظر فرهنگی پرداخته شده باشد، پرشمار نیستند. با نگاهی دقیق به پیشینه پژوهش و مطالعات انجام‌شده می‌توان دو نسبت تقریباً متفاوت، با این حال نزدیک به هم را میان بازآفرینی و منظر فرهنگی مشخص نمود (تصویر ۲). نسبت اول که دسته اول مطالعات را نیز دربر می‌گیرد



تصویر ۲. رابطه میان دو مفهوم منظر فرهنگی و بازآفرینی شهری در مطالعات انجام‌شده.



با استفاده از این مفهوم می‌توان ارزش‌ها، آرمان‌ها و ذات‌های انسانی در حال تغییر را در اشکال مختلف بررسی نمود (طالبیان و فلاح، ۱۳۸۸). یونسکو، میراث فرهنگی و طبیعی ملت‌ها را بخشی از میراث جهانی برشمرد و نحوه شناسایی و حفاظت ملی و نیز بین‌المللی از آن‌ها را نیز طی کنوانسیون‌ها، منشورها و اسناد بین‌المللی متعددی اعلام کرده است. در کنوانسیون‌هایی که سال ۱۹۷۲ تصویب شد میراث فرهنگی را به سه گروه آثار تاریخی، مجموعه‌های ساختمانی و محوطه‌ها و میراث طبیعی را نیز به سه گروه آثار طبیعی متشکل از ترکیبات فیزیکی و زیست‌شناسی، ترکیبات زمین‌شناسی و جغرافیایی طبیعی و محوطه‌های طبیعی که از نظر علمی و زیبایی‌شناسانه واجد ارزش جهانی هستند تقسیم‌بندی کرده است (UNESCO, 1972, 1, 2). کمیته میراث جهانی در سال ۱۹۹۲، منظرهای فرهنگی را به‌عنوان مقوله‌ای از میراث فرهنگی پذیرفت و پیشگام رویکرد جدیدی در حفاظت از تنوع فرهنگی و طبیعی در جهان شد. منظرهای فرهنگی به‌واسطه برقراری پیوند میان طبیعت و انسان، بیانگر رابطه‌ای طولانی و صمیمانه بین مردم و محیط طبیعی هستند، (UNESCO, 2002, 9) و جلوه‌های گوناگونی از تعامل بین انسان و محیط طبیعی را آشکار می‌کند (UNESCO, 2021, 22). در ادامه به بیان مؤلفه‌های و یا ارزش‌های تشکیل‌دهنده منظرهای فرهنگی از دیدگاه صاحب‌نظران پرداخته می‌شود.

با توجه به جدول (۱)، و با نگاهی دقیق به مؤلفه‌ها و ارزش‌های تشکیل‌دهنده منظرهای فرهنگی، می‌توان به‌نوعی از ارزش‌ها پی برد که در آن زمان و ارزش‌های روز به‌عنوان یکی از ارزش‌های تشکیل‌دهنده مطرح شده است. برای مثال ارزش‌های امروزی که ریگل عنوان کرده (Burgos Vargas & Mora Alonso-Muñoyerro, 2022)، در ادامه مؤلفه زمان و فرایند (Ziyace, 2018)، مؤلفه‌های تداومی (فلاح، کلامی و نجات، ۱۴۰۳)، ارزش‌های روز (Abbaszadeh et al., 2019)، ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی معاصر (Feilden & Jokilehto, 1998)، روایت و رویداد (مسعود و همکاران، ۱۳۹۸) و تازگی (Appelbaum, 2007) نمونه‌هایی از ارزش‌هایی هستند که همچنان با زمان معاصر خود ارتباط دارند. این دسته از ارزش‌ها، تکیه‌گاه و نیز رویکردی مفهومی برای توسعه در امر بازآفرینی شهری فراهم می‌کنند. ارزش‌هایی همچون تداوم، تازگی، ارتباط با زمان بر این نکته تأکید دارند که منظر فرهنگی و بازآفرینی شهری در تعامل با یکدیگر می‌توانند مولد ارزش‌های نوینی باشند که در عین حفظ اصالت و یکپارچگی با ارزش‌های اصیل خود با تغییرات و تحولات زمانه نیز همراه می‌شوند.

در مطالب ذکرشده که در جدول (۱) هم به‌طور جامع بیان شده، ارزش‌های امروزی، ارزش‌های معاصر، تازگی، رابطه و تکوین و تداوم قابل توجه و تأمل هستند، مفهوم «رابطه» بر ارتباط با تحولات و تغییرات کالبدی، فعالیت‌ها و معنایی که در بستر زمانی و مکانی برای منظرهای فرهنگی روی می‌دهد اشاره دارد که در اینجا، این مؤلفه‌ها می‌توانند بر ارزش‌های منظر فرهنگی اثرگذار باشند. از طرف دیگر مفاهیم «تکوین و تداوم» بر خلق و آفرینش مجدد ارزش‌های منظرهای فرهنگی دلالت دارد که با توجه به اصالت و یکپارچگی با ارزش‌های نخستین و اصیل منظر فرهنگی تداوم و استمرار می‌یابند. از طریق این دو مفهوم می‌توان ارزش‌های منظر فرهنگی را در تعامل با تغییرات و تحولات پیش رو به سیاق

تأمین منافع مردم محلی مدیریت شود و شامل حفاظت از میراث فرهنگی محلی باشد (Răţulea et al., 2023, 15). در پژوهش مشابه دیگری واهوروا و همکاران، منظر فرهنگی را به‌عنوان رویکردی برای بازآفرینی پایدار منطقه برهان‌پور در هند به کار می‌گیرند و به این نتیجه می‌رسند که حفاظت از باغ‌های تاریخی و مناظر طراحی شده می‌تواند عامل مؤثری برای ایجاد اشتغال و درآمد از طریق صنعت گردشگری باشد و در نهایت امکان بازآفرینی را فراهم می‌کند. در این پژوهش بازآفرینی پایدار منظر برهان‌پور از طریق یکپارچه‌سازی حفاظت از میراث طبیعی و فرهنگی انجام شده و تلاش‌های توسعه محور باید در پرتو مفهوم منظر فرهنگی که هدف آن ایجاد فرهنگ و طبیعت به‌عنوان عناصر به‌هم‌پیوسته فضا است، انجام گیرد (Wahurwagh & Dongre, 2015, 944). شیانگ و همکاران در پژوهش دیگری تلاش کردند چارچوب نظری جدیدی برای بازآفرینی مطرح کنند. در این راستا، راهکارهای بازآفرینی شهری مبتنی بر طبیعت<sup>۱</sup> برگرفته از غرب را با راهکارهای مبتنی بر خصوصیات اجتماعی<sup>۲</sup> (و فرهنگی) جامعه چین برای احیاء خرده سیستم‌های اجتماعی ترکیب کرده و مدل جامعی برای بازآفرینی شهری ارائه می‌دهند که از طریق این رویکرد می‌توان استفاده از فضاهای شهری را کارآمدتر کرده و به یک رابطه سه‌طرفه و متوازن بین رشد اقتصادی، توسعه عدالت اجتماعی و هم‌چنین حفاظت از محیط‌زیست دست یافت (Xiang, Yuanyuan & zongyu, 2020, 1,8).

در ادامه مطالعات انجام‌شده، این پژوهش برآنست با تأمل بر مفهوم منظر فرهنگی و واکاوی مؤلفه‌های مؤثر آن از یک‌طرف و تدقیق در مبانی و بنیان‌های نظری و اجرایی بازآفرینی از طرف دیگر، چارچوبی دوسویه و متقابل ارائه دهد به‌گونه‌ای که راهبردها و راهکارهای اجرایی بازآفرینی در بستر فرهنگ و طبیعت تحقق یابد و نیز ارزش‌های منظرهای فرهنگی با توجه به توان برنامه‌ریزی و اجرایی و نیز ماهیت باز و انعطاف‌پذیر بازآفرینی، حفاظت و توسعه یابند.

## مبانی نظری پژوهش

### مفهوم منظر فرهنگی

منظر فرهنگی لایه‌های متمدنی و درهم‌تنیده زمان و مکان را در برگرفته است که در آن زمان به تاریخ و فرهنگ و مکان به محیط‌زیست و طبیعت دلالت دارد. به‌واقع منظر، مفهومی پیچیده از دو مفهوم پیچیده دیگر است، یکی فرهنگ و دیگری طبیعت. جایی که این دو باهم تلاقی کرده و تناور می‌شوند، منظر پدیدار می‌گردد (فلاح و همکاران، ۱۴۰۳، ۱۳۵). همان‌طور که شاما<sup>۳</sup> توضیح می‌دهد: «مناظر پیش از آنکه طبیعت باشند، فرهنگ هستند؛ سازه‌هایی از تخیل که روی چوب و آب و سنگ نقش بسته‌اند» (Konijnendijk, 2008, 2). از نیمه سده بیستم اصطلاح منظر فرهنگی به همه محوطه‌هایی که بر اثر تعامل طولانی آدمی و طبیعت پدید آمده توسعه یافت و در محیط‌های دانشگاهی بیش‌ازپیش پذیرفته شد. امروز منظر فرهنگی همه مراتب مادی و معنایی محیط را شامل می‌شود. در این تعریف هم اثر آدمی بر محیط و هم اثر محیط بر آدمی ملحوظ است: یعنی حیطه‌ای جغرافیایی که آدمی را ساخته و جامعه‌ای انسانی که محیط را تعریف کرده است. به عبارتی توجه کالچرال لندسکیپ نیز معطوف به کجایی یک محوطه تاریخی و کیستی اهل آن محوطه است (بهشتی، نجفی و ابوترابیان، ۱۴۰۱، ۷۴).

جدول ۱. دسته‌بندی مؤلفه‌ها و ارزش‌های منظر فرهنگی.

مؤلفه‌های اصلی منظر فرهنگی	مؤلفه‌های فرعی منظر فرهنگی	افراد
یادبودی	قدمتی، تاریخی، یادبودی	ریگل Burgos Vargas & Mora (Alonso-Muñoyerro, 2022)
امروزی	کاربردی، هنری، تازگی، هنری نسبی	
ارزش‌ها	زیباشناختی، تاریخی، علمی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، ملی، معنوی	منشور بورا (Charter, 1997)
ارزش‌ها	هنری، تاریخی، اجتماعی، علمی	سند نارا (ICOMOS, 1994)
عناصر ملموس	مسیرهای حمل‌ونقل و محل‌های تقاطع، خدمات شهری، پوشش زمین، مکان‌های شاخص فرهنگی، بنگاه‌های صنعتی و اقتصادی	براون (Brown, 2001)
عناصر ناملموس	سیاست و سرشماری، سرحدات، مرزهای مالکیت، کاربری اراضی	
بعد کالبدی	اثر فعالیت انسان در منظر	جونز (Jones, 2003)
بعد شناختی	معنای فرهنگی را به محیط کالبدی (هم طبیعی و هم انسانی) پیوند می‌دهد.	
احساسی	شگفتی، هویت، تداوم، احترام و ستایش، نمادین و معنوی	
فرهنگی	استنادی، تاریخی، قدمت و باستان‌شناسی، معماری و زیباشناختی، چشم‌انداز شهری، منظر شهری و بوم‌شناسی، فنی و علمی	فیلدن (Feilden, 2003)
کاربردی	عملکردی، اقتصادی شامل گردشگری، اجتماعی، آموزشی، سیاسی	
ارزش‌های منظر فرهنگی	محیطی، فرهنگی، معنوی، آموزشی، علمی، تفریحی	براون، میچل و برسفورد (Brown et al., 2005)
ارزش‌های تاریخی	مفهومی (کیفیت ایده / کیفیت پدیده) کالبدی (اصالت مصالح، اصالت طرح، ارتباط با بستر طبیعی و فیزیکی) مهارت‌ها	
ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی	اعتقادی (ارزش‌های دینی، معنوی، سنت‌ها، نمادین و مذهبی)، احساسی (اعجاب، ارزش هنری، زیبایی‌شناسی، ندرت، قدمت)، هویتی (هویت اجتماعی - ملی، هویت اجتماعی - محلی، هویت سکونت‌گاه	عباس‌زاده و همکاران (Abbaszadeh et al., 2019)
ارزش‌های روز	علمی - آموزشی، گردشگری، اقتصادی، عملکردی، سیاسی	
ارزش‌های ملموس	سیستم‌های طبیعی، کاربری‌های زمین، سازمان فضایی، روابط بصری، توپوگرافی، پوشش گیاهی، ویژگی‌های آب، طبیعی و ساخته‌شده، سازه‌ها و ساختمان‌های منظر غیرمسکونی، ویژگی‌های فضایی، فرم و مقیاس ساختارهای سکونت‌پذیر	آدانل (O'Donnell, 2008)
ارزش‌های ناملموس	جشنواره‌ها، موسیقی سنتی، رقص، اجرا، زیارت، عبادت، مراسم عبادی، فعالیت‌های سنتی	
معنا و پیام فرهنگی	ایده‌ها، باورها	
فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی		وگلر (Ziyae, 2018)
فرم‌های کالبدی	توپوگرافی، پوشش گیاهی، ساختار (زمان / فضا، نیازهای بصری)، الگوی استقرار	
میراث فرهنگی زنده	ملموس: محصول و یا کالایی برای استفاده مذهبی و فرهنگی، محصول یا کالا برای استفاده خانگی (غذا، لباس، موارد خانگی)، محصول برای استفاده صنعتی غیرقابل ملموس: احساس هویت، الگوی استفاده از فضا، بیان (شفاهی، رفتاری، عرفی)، نظام باورها، فعالیت‌های تجاری، اجتماعی یا فرهنگی.	سونکلی (Ziyae, 2018)
میراث فرهنگی مصنوع	ملموس: ساختمان یا گروهی از ساختمان‌ها، پارک‌ها و باغ‌های عمومی، بناها و سازه‌ها، محوطه‌های باستانی. ناملموس: الگوی استفاده از زمین، الگوی استفاده از ساختمان، بیان (معماری، نمای خیابانی، نمای شهری)، حس مکان.	
مؤلفه‌های عینی	عوامل جغرافیایی، پوشش گیاهی، منظر دست‌ساخت، ساختار بیوفیزیکی	صادقیان و همکاران (Sadeghian et al., 2020)
مؤلفه‌های ذهنی	ارزش‌های فرهنگی (آداب و رسوم، لباس محلی، بازی‌های بومی، موسیقی، رنگ، بو، باور، سنت سکونت، ساختار اجتماعی و شیوه زندگی)، ارزش‌های کالبدی هویت ساز، ارزش‌های اقتصادی	
ارزش‌های منظر فرهنگی	اجتماعی، احساسی ادراکی، فرهنگی طبیعی، بومی، زیست‌محیطی، اقتصادی	اندردوی و صحراکاران (۲۰۱۷)
یادبودی	قدمتی، تاریخی، یادبودی	ریگل Burgos Vargas & Mora (Alonso-Muñoyerro, 2022)
امروزی	کاربردی، هنری، تازگی، هنری نسبی	

مؤلفه‌های اصلی منظر فرهنگی	مؤلفه‌های فرعی منظر فرهنگی	افراد
فرم	ویژگی‌های باستان‌شناختی، طبیعی، تاریخی و ساخته‌های دست‌ساز انسانی	استفنسون (Stephenson, 2008)
اقدامات انسانی/ فرایندهای طبیعی	فرایندهای تاریخی، طبیعی و اکولوژیکی، نظام‌ها و فعالیت‌های انسانی و سنتی	
روابط	داستان‌ها و اسطوره‌ها، معانی، معنویت، خاطرات و حس مکان	
مادی	فرم‌های طبیعی	ضیایی (Ziyaee, 2018)
	فرم‌های دست‌ساز	
غیرمادی	باورها	قوانین
	دیدگاه‌ها، ادیان، ایدئولوژی‌ها	
روابط	رفتارها	زمان/فرایند
	سیاست، اقتصاد، قدرت	
مؤلفه‌های تکوینی	تاریخ، خاطره	روش و تکنیک
	سبک، رقص، نقاشی، لباس، غذا، آواز	
مؤلفه‌های تداومی	مؤلفه‌های مؤثر در پیدایش منظرهای فرهنگی، خاطره‌انگیزی، انعطاف‌پذیری، خوانایی	فلاح، کلامی و نجات (فلاح و همکاران، ۱۴۰۳)
ارزش‌های تاریخی	مؤلفه‌های مؤثر در تداوم منظرهای فرهنگی: اصالت و یکپارچگی	عباس‌زاده و همکاران (Abbaszadeh et al., 2019)
ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی	مفهومی (کیفیت ایده / کیفیت پدیده) کالبدی (اصالت مصالح، اصالت طرح، ارتباط با بستر طبیعی و فیزیکی) مهارت‌ها	
ارزش‌های روز	اعتقادی (ارزش‌های دینی، معنوی، سنت‌ها، نمادین و مذهبی)، احساسی (عجاب، ارزش هنری، زیبایی‌شناسی، ندرت، قدمت، هویتی (هویت اجتماعی - ملی، هویت اجتماعی - محلی، هویت سکونت‌گاه	
ارزش‌های فرهنگی	علمی - آموزشی، گردشگری، اقتصادی، عملکردی، سیاسی	فیلدن و یوکیلتهو (Feilden & Jokilehto, 1998)
ارزش‌های اجتماعی اقتصادی معاصر	هویتی، ارزش نسبی فنی / هنری، کم‌نظیر بودن	
ارزش‌ها	اقتصادی، کاربردی، آموزشی، اجتماعی، سیاسی	مسعود، عشرتی، فیضی و عینی‌فر (مسعود و همکاران، ۱۳۹۸)
ارزش‌ها	قدمت، نمادین، روایت و رویداد، معنوی و مذهبی، زیبایی، ویژگی‌های فضایی، فعالیت و کارکرد، سند و مدرک	اپلبام (Appelbaum, 2007)
ارزش‌ها	هنری، زیبایی‌شناسی، تاریخی، استفاده، پژوهشی، آموزشی، قدمت، احساسی، تازگی، پولی، وابسته، یادبودی	

جدول ۲. تبیین ارزش‌ها در منظر فرهنگی.

ارزش‌ها در منظر فرهنگی		مرتبط با مفهوم حفاظت	مرتبط با مفهوم توسعه
طبیعی	توپولوژی، جغرافیا، هیدروگرافی، مواد تشکیل‌دهنده بافت و سطح، پوشش گیاهی، وضعیت اقلیمی، بیابان‌ها، کنار دریا		
انسانی	ساختمان یا گروهی از ساختمان‌ها، پارک‌ها و باغ‌های عمومی، بناها و سازه‌ها، محوطه‌های باستانی، ساختمان‌ها، جاده‌ها، پل‌ها، بناهای تاریخی، مصنوعات شهری، باغ‌ها، کشاورزی		
طبیعی	فرایندهای تاریخی، طبیعی و اکولوژیکی	معنایی	
انسانی	فعالیت‌های انسانی و سنتی، فعالیت‌های تجاری، اجتماعی یا فرهنگی، سبک‌ها، شیوه‌ها و الگوها		
فرمی / کالبدی	داستان‌ها و اسطوره‌ها، معانی، معنویت، خاطرات و حس مکان	ارزش‌هایی که در تعامل و ارتباط با پدیده‌های نوین و فناوری‌های نوظهور مثل دوچرخه‌های هوشمند، در بستر زمانی و مکانی پدیدار می‌شوند و عملکردها و فعالیت‌های جدیدی را خلق می‌کند.	ارزش‌هایی که برگرفته از خدادادها، رویدادها، جشنواره‌ها، مراسم‌های سیاسی، کاری و شغلی جدید و بدیع و ... هستند و می‌توانند بر حس هویت، حس تعلق و خاطره‌انگیزی مؤثر باشد.
فرمی / کالبدی	ارزش‌هایی که از طریق تعامل با تغییرات نوین کالبدی، مثل طراحی فضاهای جدید، طراحی مناظر جدید به وجود آمده است.		
فعالیتی / عملکردی	ارزش‌هایی که در تعامل و ارتباط با پدیده‌های نوین و فناوری‌های نوظهور مثل دوچرخه‌های هوشمند، در بستر زمانی و مکانی پدیدار می‌شوند و عملکردها و فعالیت‌های جدیدی را خلق می‌کند.		
معنایی	ارزش‌هایی که برگرفته از خدادادها، رویدادها، جشنواره‌ها، مراسم‌های سیاسی، کاری و شغلی جدید و بدیع و ... هستند و می‌توانند بر حس هویت، حس تعلق و خاطره‌انگیزی مؤثر باشد.		

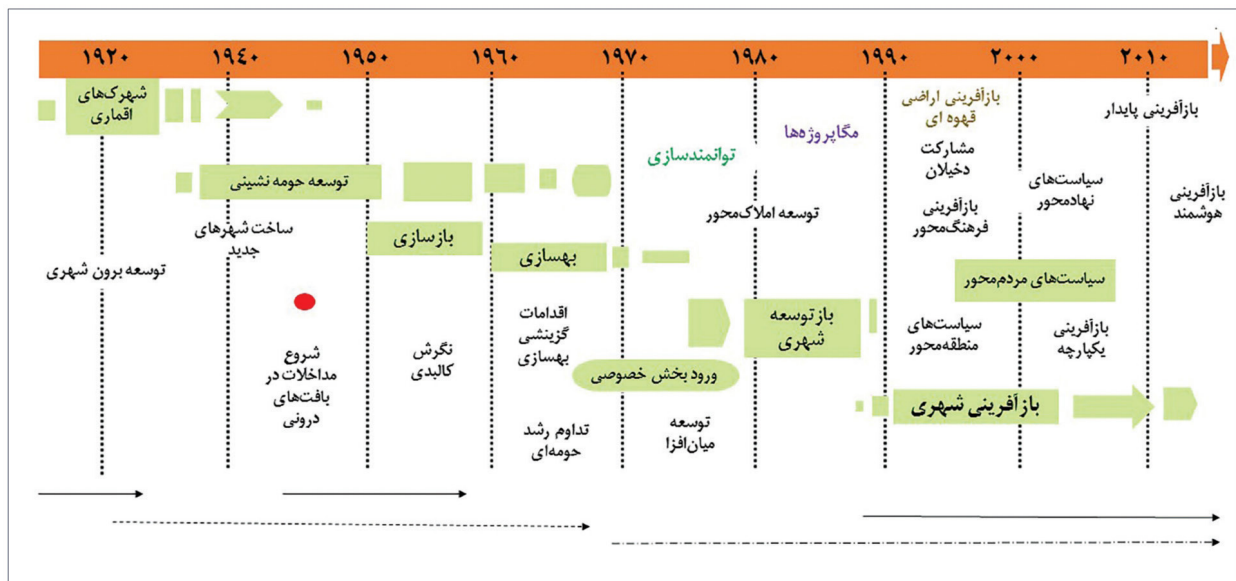
### بازآفرینی شهری، ابعاد و اصول

بازآفرینی شهری را می‌توان تأثیرگذارترین رویکرد معاصر در زمینه حفاظت و نگهداری شهری دانست. یکی از دلایل اصلی این امر ظرفیت بالای این رویکرد در پرداختن به ابعاد مختلف شهر است (Izadi, et al., 2020, 163). بازآفرینی مفهوم گسترده، چندبعدی و پیچیده‌ای در ادبیات توسعه‌ی شهری دارد و می‌تواند دامنه‌ی وسیعی از فعالیت‌ها را از مقیاس‌های کلان شهری تا مقیاس همسایگی دربر گیرد. مفهوم بازآفرینی شهری بسته به سطح توسعه هر کشوری می‌تواند به چند طریق تفسیر شود (Galdini, 2005, 4). واژه بازآفرینی از میان واژگانی همچون «معاصر سازی، تجدید نسل، از نو سر برآوردن» (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۲، ۴-۵) و «تجدید حیات» (فرخ زنوزی، ۱۳۸۰، ۷)، مصطلح‌ترین برگردان فارسی برای واژه‌ی *Regeneration* است. این واژه به‌واسطه پیشوند «re» نیم‌نگاهی به گذشته دارد و برآنست حیات، سرزندگی و رونقی که در گذشته وجود داشته را دوباره جاری کند و به‌واسطه واژه *generat* نگاهی به اکنون و آینده دارد و درصدد آن است با تولید و زایشی متناسب با زمان و مکان، حیات مدنظر خود را تجدید کند. ترکیب این دو واژه، مفهومی سیال، پویا، پیش‌رونده و توسعه‌گرا در نقطه آغازین امروز با نگاهی به آینده و توجه به گذشته به وجود می‌آورد. همان‌طور که بازسازی یا ترمیم از منظر زیست‌شناسی به معنای رشد مجدد بافت‌های از دست‌رفته یا آسیب‌دیده و بازگرداندن یک سیستم به مرحله اولیه خود است، در ادبیات توسعه شهری نیز مفهوم بازآفرینی، بر رشد مجدد فعالیت‌های اقتصادی، بازبانی کارکردهای اجتماعی ناکارآمد، ادغام مجدد لایه‌های اجتماعی طردشده، و بازبانی کیفیت زیست‌محیطی آسیب‌دیده و دستیابی به تعادل اکولوژیکی تأکید دارد (Zhang, 2024, 198).

بازآفرینی شهری مؤلفه‌ای مهم از «سیاست شهری» گسترده‌تری است، که لزوماً منحصرأ مربوط به «بازآفرینی» نمی‌شود (Tallon, 2010, 4). سیر تحول سیاست‌های توسعه شهری از رویکردی تک‌بعدی و تک‌محوری که بیشتر بر تغییرات کالبدی متمرکز بود و از بحران‌های پس از جنگ نشئت

دیگری ارانه کرد که در آن هم به گذشته و هم به آینده منظرهای فرهنگی با ژرفبینی بیشتری نظر افکند.

با عنایت به مفاهیم ذکر شده، دو نوع ارزش را می‌توان برای منظرهای فرهنگی تبیین نمود (جدول ۲)، ارزش‌هایی که در بستر تاریخی و فرهنگی موجود بوده و در حال حاضر به دست انسان رسیده است، ارزش‌هایی ثابت و ماندگار که برای تداومشان به حفاظت، مرمت و مراقبت نیاز است و می‌توان آن‌ها را ارزش‌های نخستین نامید و در واقع بحث حفاظت این نوع از ارزش‌ها را پوشش می‌دهد. این نوع حفاظت از مرمت کالبدی شروع شده و به حفاظت معنایی می‌رسد (برگرفته از فلاحت و همکاران، ۱۳۹۶، ۲۱). اما نوع دیگری از ارزش‌ها را می‌توان برای منظرهای فرهنگی بیان کرد که در ارتباط با تحولات زمانی و مکانی و در تعامل با تغییرات نوین، پدیده‌های نوظهور و برنامه‌ریزی و اقدامات توسعه محور شهری ایجاد شده و از آنجاکه اصالت و یکپارچگی با ارزش‌های نخستین را تداوم داده و در تعامل با بستر فرهنگی و طبیعی قرار گرفته، استمرار یافته و در ادامه و با گذر زمانی طولانی‌تر به ارزش‌های نخستین تبدیل خواهند شد. به‌واقع ارزش‌های درگذر زمان، تداوم ارزش‌های نخستین است که با توجه به زمانه و عصر کنونی و نیز با توجه به تغییرات بنیادین و توسعه محور که در راستای بازآفرینی شهری انجام می‌شود، خود را آشکار می‌کنند. این ارزش‌ها خود نیز به سه دسته ارزش‌های فرمی، عملکردی و معنایی تقسیم می‌شوند. ارزش‌های درگذر زمان دربرگیرنده ارزش‌های فرمی یا کالبدی هستند که از طریق تغییرات و تحولات کالبدی برای مثال طراحی و توسعه فضاهای نوین و یا مناظر طراحی شده به وجود می‌آیند، ارزش‌های عملکردی و فعالیتی ارزش‌هایی هستند که عملکردها و فناوری‌های نوین برای منظرهای فرهنگی ایجاد می‌کنند و ارزش‌های معنایی نیز ارزش‌هایی هستند که از دل خاطرات جدید، نمادها و نشانه‌های نوین برگرفته از تغییرات و تحولات و توسعه‌های کنونی پدیدار می‌شوند. در ادامه به‌منظور تبیین چارچوبی که حفاظت و توسعه هماهنگ و یکپارچه ارزش‌ها، بر آن استوار شود به‌واکوی مفهوم بازآفرینی شهری پرداخته می‌شود.



تصویر ۳. تطور زمانی سیاست‌های توسعه شهری. مأخذ: (پوراحمد و همکاران، ۱۴۰۱)



حل مسئله و معضلات شهری، رویکرد می‌دانند، «بازآفرینی رویکردی جامع، یکپارچه و کل‌نگر دارد و سه هدف اقتصاد، برابری و محیط را دربر می‌گیرد» (Kocabas & Gibson, 2002, 178) و برخی دیگر، آن را به‌واسطه داشتن برنامه‌ریزی برای دستیابی به اهداف، راهبرد می‌شناسند، «بازآفرینی، راهبردی سیاسی است که از مجموع‌هایی از مقررات و سیاست‌های برنامه‌ریزی برای تشویق توسعه‌دهندگان به سرمایه‌گذاری در ناحیه‌های فرسوده و متروکه شهری استفاده می‌کند» (Jones & Evans, 2008, 4). آنچه بین این سه نوع تلقی از ماهیت بازآفرینی مشترک است، نیل به هدفی مشخص برای بازآفرینی است، که به‌طور کل به حل مسائل شهری اشاره می‌کند. بازآفرینی شهری در طول زمان، از شکل ساده نوسازی یا بهسازی زیرساخت‌های فرسوده و زمین‌های ساخته‌شده، به‌واسطه هدف قرار دادن بازسازی بافت شهری، باز نوسازی اقتصاد شهری و نیز تصویر شهری، در عین حال که به دنبال تعامل اجتماعی و برابری بیشتر، مشارکت مردم محلی و ادغام اجتماعی و شغلی آن‌ها در یک زمینه چند کارکردی است، به شکلی دقیق‌تر و هدفمندتر تکامل یافته است (Hassan, 2012, 230).

رابرتز با بهره‌گیری از تعریف لیچفیلد که در آن ویژگی‌های اساسی بازآفرینی را شناسایی و معرفی کرده و نیز با اشاره به گفته‌های هاسنر که بر ضعف‌های ذاتی رویکردهای بازآفرینی تأکید نموده، از جمله آن‌ها که بدون چارچوب استراتژیک هستند، و نیز لزوم ارائه راهکارهای جدید که دابیسون آن را مطرح کرده است، تعریف جامعی از بازآفرینی ارائه می‌دهد که در آن از ماهیت و هدف بازآفرینی به‌طور تلویحی سخن به میان آورده است: «بازآفرینی شهری، عبارت است از نگرش جامع و یکپارچه و مجموعه اقداماتی که به حل مسائل شهری بینجامد، به‌طوری‌که بهبود دائمی در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی بافتی که دستخوش تغییر شده را به وجود آورد» (Roberts, 2017, 18). بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری می‌تواند زمینه‌ساز توسعه درونی شهرها و حفظ و احیای کالبدی و اجتماعی فرهنگی آن‌ها باشد و از تخریب طبیعی، از یک سو، و ویرانگری برنامه‌ریزی‌شده توسط سودجویان، از سوی دیگر، جلوگیری کند. در واقع، بازآفرینی ابزاری برای بهبود کیفیت زندگی آینده فضاهای شهری است (Alpopi & Manole, 2013, 179). دپارتمان توسعه شهری اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۱، بیانیه تولدورا به‌منظور حمایت از بازآفرینی شهری یکپارچه، تصویب کرد که هدف از آن بهینه‌سازی، حفظ و احیای کل سرمایه موجود شهری (محیط ساخته‌شده، میراث تاریخی و سرمایه اجتماعی) بود، موضوعی که در رویکردهای سابق اولویت نداشت (پورا احمد و همکاران، ۱۴۰۱، ۷). سیاست‌های توسعه شهری در کشورهای توسعه‌یافته به‌ویژه در اروپای غربی و آمریکای شمالی در طی دو دهه گذشته عمدتاً بر برنامه‌های بهسازی، بازآفرینی و توانمندسازی شهری متمرکز بوده است. هدف از اجرای سیاست‌های بازآفرینی شهری و برنامه‌های تجدید حیات شهری، ارتقاء شرایط کیفی زندگی در سکونت‌گاه‌ها از طریق ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی ساختمان‌ها، توسعه و بهبود زیرساخت‌های شهری، تأمین خدمات شهری مورد نیاز، آموزش ساکنان، ایجاد فرصت‌های شغلی، تقویت نهادهای مدیریت محلی و دفاتر خدمات محله‌ای مردم‌نهاد، الگوسازی و ترویج قواعد کیفی ساخت‌وساز است (پورا احمد و همکاران، ۱۳۸۹، ۷۴).

می‌گرفت، شروع شد و به‌مرور با در نظر گرفتن مسائل اجتماعی، توسعه‌ی اقتصادی، فرهنگ و محیط‌زیست به رویکردی جامع و چندجانبه در بازآفرینی و گرایش‌های مختلف آن به سرانجام رسید (تصویر ۳). بازآفرینی شهری جریانی است که ریشه در جریان‌های بازسازی، باز زنده سازی، نوسازی و توسعه‌ی مجدد که بعد از جنگ جهانی دوم در اروپا تکامل یافتند دارد. این جریان در دو دهه اخیر به‌سرعت در بریتانیا، اروپا و سایر نقاط جهان گسترش یافته و تغییرات بسیاری را در شهرهای جهان ایجاد کرده است (ستایش مهر، ناسخیان و ولی‌بیگ، ۱۴۰۱، ۶۷). کارمون سه نسل از سیاست‌های نوسازی شهری انجام‌شده در ایالات‌متحده آمریکا و بریتانیا را شناسایی کرد. نسل اول «عصر بولدوزر» نامیده می‌شود، زیرا بر پاک‌سازی زاغه و محیط ساخته‌شده تأکید دارد. این رویکرد به دهه ۱۹۳۰ بازمی‌گردد، اما هنوز تا دهه ۱۹۶۰ در ایالات‌متحده آمریکا و بریتانیا مورد استفاده قرار می‌گرفت. نسل دوم مداخلات بازآفرینی در دهه ۱۹۶۰ رخ داد و بیشتر بر توان بخشی محله‌ای و مشکلات اجتماعی متمرکز بود. نسل سوم، بین دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، بر باز زنده سازی مراکز شهری متمرکز بود و بر توسعه اقتصادی آن‌ها تأکید داشت (Carmon, 1999, 145-147). آن‌طور که کوچ می‌گوید بازآفرینی به شکل گسترده پس از سال ۱۹۹۵، به‌عنوان جایگزینی برای نوسازی شهری در عرصه ادبیات شهرسازی به کار گرفته شد. کوچ این جایگزینی را این‌طور بیان می‌کند: «بازآفرینی شهری از آرمان‌ها و دستاوردهای نوسازی شهری که بر تغییرات کالبدی تأکید دارد و همین‌طور تجدید حیات شهری که باوجود پیشنهاد اقدام (اجرایی)، اما در ارائه رویکرد دقیق ناتوان است، بسیار فراتر حرکت می‌کند» (Tsenkova, 2003, 1). به‌علاوه، شواهد و اسناد تاریخی مبین آن است که از آغاز دهه ۱۹۹۰ و پس از اجلاس زمین، بازآفرینی به‌مثابه سیاست غالب در حوزه مداخله و احیای بافت‌های آسیب‌پذیر، منشأ دگرگونی‌های عظیم گردیده و پیامدهای متفاوتی به همراه داشته است (پورا احمد و همکاران، ۱۴۰۱، ۲). با نگاهی به تحولات شهرهای غربی از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ تغییر پارادایم از رویکردی ابتدایی و ناپخته به رویکردی دقیق و نیز از اصرار کورکورانه بر تغییرات کمی تا تأکید بر کیفیت توسعه را به‌راحتی می‌توان مشاهده کرد (Zhang, 2024, 198). از این‌رو راهبرد و جهت‌گیری اصلی بازآفرینی در دهه ۱۹۹۰ را، حرکت به‌سوی شکل جامع‌تری از سیاست‌گذاری و اعمال تمرکز بر روی راه‌حل‌ها و مداخلات یکپارچه می‌دانند (Roberts, 2017, 19). راه‌حل و مسئله، عناصر کلیدی در درک راهبردهای توسعه مجدد شهری هستند. در مطالعات توسعه شهری درک مسئله و حل مسئله مستلزم یکدیگرند و شناخت مسئله بازآفرینی برای کشف راهکارهای بازآفرینی شهری حائز اهمیت است (Tan & Altrock, 2016, 247).

برخی از صاحب‌نظران، بازآفرینی را به‌واسطه داشتن مراحل و فعالیت‌های مرتبط برای یک رسیدن به یک هدف، فرایند می‌دانند و معتقدند که بازآفرینی فرایندی است که طی آن به خلق فضاهای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی) منجر می‌گردد. در این اقدام، فضای شهری جدید حادث می‌شود که ضمن حفظ شباهت‌های اساسی با فضای شهری قدیم، تفاوت‌های ماهوی و معنایی را با فضای قدیم نیز به نمایش می‌گذارد (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۲، ۴)، برخی دیگر بازآفرینی را به دلیل ارائه ایده و نگرشی کلی برای

## ابعاد باز آفرینی شهری

رابرتز و همکاران در مقدمه کتاب خود به زمینه‌ها و موضوعاتی اشاره می‌کنند که برای درک سیاست و فرایند بازآفرینی شهری ضروری هستند این زمینه‌ها که می‌توانند به ابعاد گوناگون بازآفرینی اشاره کنند، عبارت‌اند از مباحث اقتصادی و مالی، جنبه‌های کالبدی و محیطی بازآفرینی، مباحث اجتماعی و مرتبط با جامعه، اشتغال، آموزش و پرورش، مسکن و مباحث مربوط به آن (Roberts, 2017, 5). مطابق با نظر جونز و ایوانز بازآفرینی شهری ابعاد اجتماعی، اقتصادی و محیطی را در نظر می‌گیرد (Jones & Evans, 2008, 6). در ادامه تالون ابعاد بازآفرینی شهری را اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، کالبدی- محیطی و حکمرانی می‌داند (جدول ۳) و این‌گونه اظهار می‌کند که این چهار بعد، چهار بعد مجزا از همدیگر نیستند، بلکه با یکدیگر مرتبط‌اند. بازآفرینی موفق شهری، باید ماهیت مرتبط به مشکلات اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی را در زمینه جغرافیای محلی به رسمیت بشناسد (Tallon, 2010, 5-6). موفقیت بازآفرینی شهری را می‌توان بر مبنای تعامل و هم‌افزایی بین سرمایه‌های شهری (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی، نمادین و فضایی) محاسبه و مدل‌سازی کرد (Bratuškins et al., 2020, 8).

جدول ۳. ابعاد بازآفرینی شهری، مأخذ: (Tallon, 2010)

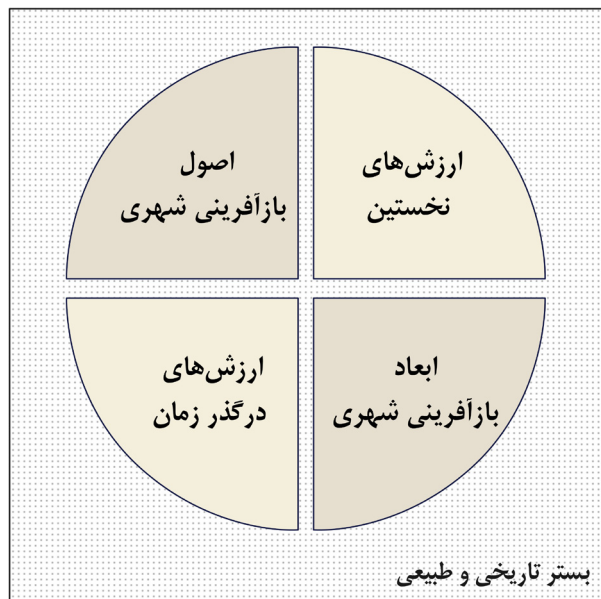
ابعاد	دغدغه‌ها
اقتصادی	ایجاد شغل، درآمد، اشتغال، مهارت‌ها، قابلیت استخدام، توسعه
اجتماعی- فرهنگی	کیفیت زندگی، بهداشت، آموزش، پیشگیری از جرم، مسکن، کیفیت خدمات عمومی
کالبدی	زیرساخت‌ها، محیط ساخته شده، حمل‌ونقل و ارتباطات
زیست‌محیطی	محیط طبیعی، مناظر طبیعی و طراحی شده
حکمرانی	ماهیت تصمیم‌گیری، درگیر کردن جوامع محلی، مشارکت گروه‌های دیگر، سبک رهبری

## اصول باز آفرینی شهری

با توجه به ماهیت انعطاف‌پذیر و تکامل‌پذیر بازآفرینی، اصول و قواعد بازآفرینی شهری با توجه به ویژگی‌های محل پروژه تبیین می‌شود. اصول بازآفرینی و هم‌مدل‌های مشارکتی باید مختص مکان، جامعه و پروژه محور باشند. به عبارت دیگر نباید انتظار یک نسخه واحد برای بازآفرینی شهری داشت و باید مدل‌های بازآفرینی متفاوت بر اساس ویژگی‌های محلی هر سکونتگاه و جمعیت طراحی شود (Güzey, 2009, 29). با این حال برخی از صاحب‌نظران اصول مشترکی برای بازآفرینی ارائه کرده‌اند که برای تمامی پروژه‌های بازآفرینی تعمیم‌پذیر و فراگیر بوده است. این اصول، بینش ثابت و دائمی در طراحی و توسعه مطلوب شهری هستند که برای چندین دهه کاربرد داشته و در دهه‌های آینده نیز کاربرد خواهند داشت (پوراحمد و همکاران، ۱۴۰۱). در ادامه در جدول (۴) به جمع‌آوری و ارائه اصول مشترک مطرح‌شده از صاحب‌نظران از جمله اولزم (Güzey, 2009, 29)، رابرتز (Roberts, 2017, 21-22)، لازوزا (La Rosa et al., 2017, 181)، کارتر و رابرتز (Carter & Roberts, 2017, 49) و پوراحمد (پوراحمد و همکاران، ۱۴۰۱، ۶) پرداخته شده است.

## بحث و تحلیل

این پژوهش تلاش می‌کند توضیح دهد که چگونه می‌توان با بهره‌مندی از ماهیت سیال، انعطاف‌پذیر و کنش‌مند بازآفرینی و بینش مفهومی، کل‌نگر و ژرف منظر فرهنگی به تعامل فرهنگ و طبیعت، چارچوبی دوسویه تبیین کند که هم مبانی نظری و اجرایی بازآفرینی کارآمد و متناسب با بسترهای تاریخی و طبیعی باشد و افزون بر این، ارزش‌های منظر فرهنگی هم در تعامل با ماهیت انعطاف‌پذیر و توان اجرایی بازآفرینی، حفاظت و توسعه یابند. داده‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش که در تصویر (۴) ارائه شده، مفهوم بازآفرینی شهری را متشکل از «ابعاد» و «اصولی» می‌داند که در آن، ابعاد بر حوزه‌های درگیر و اصول نیز بر قواعد بنیادین بازآفرینی شهری دلالت می‌کند. در واقع ابعاد و اصول به این پرسش پاسخ می‌دهند که بازآفرینی شهری در چه حوزه و یا حوزه‌هایی، چگونه و با چه اصولی تحقق یابد. نکته حائز اهمیت این است که اصول بازآفرینی شهری به دلیل ماهیت پروژه محور بودن خود، مبتنی بر ویژگی‌های کمی و کیفی محل پروژه بوده و از این‌رو ابعاد و اصول بازآفرینی شهری با توجه به محل پروژه دامنه‌ای متغیر و متفاوت دارند. از طرف دیگر داده‌های به‌دست‌آمده از مفهوم منظر فرهنگی بر ارزش‌ها به‌عنوان مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده منظرهای فرهنگی دلالت داشته و بر ارزش‌های نخستین و درگذر زمان اشاره دارد (تصویر ۴).



تصویر ۴. مؤلفه‌های بنیادین در تبیین چارچوب دوسویه میان منظر فرهنگی و بازآفرینی شهری.

ارزش‌های نخستین، ارزش‌های ثابت و ماندگار منظرهای فرهنگی هستند که تحت پوشش اصل حفاظت قرار می‌گیرند و ارزش‌های درگذر زمان، ارزش‌هایی نوینی هستند که با توجه به اصل توسعه بازآفرینی شهری پدیدار شده و به دلیل حفظ اصالت و یکپارچگی با ارزش‌های نخستین، با آن‌ها وحدت یافته و به‌مرور زمان به ارزش‌های نخستین تبدیل خواهند شد. مهم‌ترین مفهومی که تعامل دوسویه با توجه به آن و در ذیل آن تحقق می‌یابد ارزش است. چارچوب دوسویه و تعامل بین بازآفرینی و منظر فرهنگی زمانی برقرار می‌شود که بازآفرینی شهری علاوه بر آن که به‌واسطه کنش‌مندی، اقدامات و توان اجرایی، ارزش‌های

جدول ۴. اصول مشترک بازآفرینی از نگاه صاحب نظران.

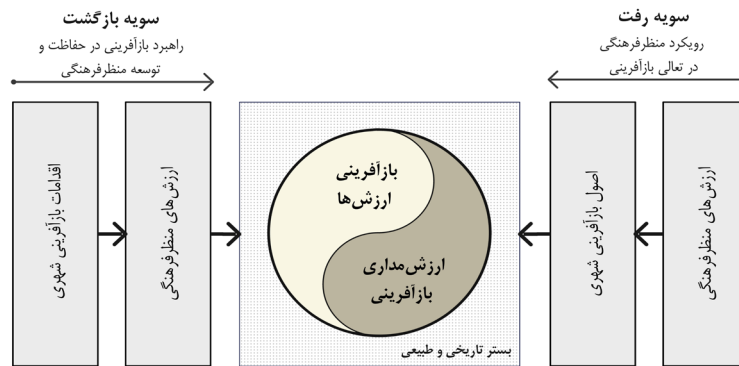
منابع	شاخصه‌ها	اصول
کارتز و رابرتز (۲۰۱۷) پورا احمد و همکاران (۱۴۰۱)	حفاظت از شهرها به عنوان موتور محرکه تمدن، فرهنگ، نوآوری، فرصت و سرمایه گذاری؛ تاب آوری بافت‌های موجود؛ حفاظت اکولوژیکی.	حفاظت / محافظت
اوزلام (۲۰۰۹) رابرتز (۲۰۱۷) لاروزا (۲۰۱۷) پورا احمد و همکاران (۱۴۰۱) کارتز و رابرتز (۲۰۱۷)	مطابق با اهداف توسعه پایدار؛ بهبود شرایط زندگی در مناطق مسکونی؛ افزایش عملکرد انرژی؛ تقویت واکنش ضد لرزه ای بافت شهری موجود؛ توسعه مجدد فضاهای عمومی؛ نوسازی زیرساخت شهری؛ بازسازی فضاهای عمومی؛ تقویت سرمایه اجتماعی؛ توسعه اقتصادی؛ بهبود کسب و کارهای کوچک؛ بهبود نقاط ضعف، ارتقای فرصت‌ها و افزایش فعالیت‌ها، حمایت از توسعه در جوامع محروم.	بهبود / تقویت / توان بخشی / توسعه
اوزلام (۲۰۰۹) رابرتز (۲۰۱۷) پورا احمد و همکاران (۱۴۰۱) کارتز و رابرتز (۲۰۱۷)	مشارکت چندبخشی با تأکید بر نقش جوامع محلی؛ مشارکت کامل و همکاری همه ذینفعان؛ تعامل فعال ساکنان؛ مشارکت گسترده که همه ذینفعان را در برگیرد.	مشارکت
رابرتز (۲۰۱۷) پورا احمد و همکاران (۱۴۰۱)	بهترین استفاده ممکن از منابع طبیعی، اقتصادی، انسانی و دیگر منابع؛ استفاده مؤثر از منابع موجود؛ بهره‌وری انرژی و آب.	بهره‌وری / بهره‌مندی
اوزلام (۲۰۰۹)	جرح و تعدیل برنامه‌های اجرایی هم سو یا تغییر شرایط اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و مدیریتی؛ بازبینی برنامه‌های اولیه اجرایی بازآفرینی در راستای تغییرات انجام گرفته؛ پذیرش منحصربه‌فرد بودن پروژه. چارچوب‌های سازمانی و فضایی برای بازآفرینی هم در طی زمان و هم بین مکان‌ها متفاوت است.	انعطاف‌پذیری
اوزلام (۲۰۰۹) رابرتز (۲۰۱۷)	تحولات کالبدی همراه با بهبود وضعیت اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی در کنار کارآمدی اقتصادی و عدالت اجتماعی؛ تطبيق هم‌زمان بافت کالبدی، ساختارهای اجتماعی، پایگاه اقتصادی و شرایط محیطی.	همگامی و هم‌زمانی
رابرتز (۲۰۱۷) پورا احمد و همکاران (۱۴۰۱) کارتز و رابرتز (۲۰۱۷)	تطبيق با خدمات سلامت محور و رفاه؛ خدمات عمومی و خدمات زیست محیطی؛ رفاه و امنیت؛ بهداشت و سلامت شهری؛ جایابی راحت؛ اختلاط و برابری اجتماعی؛ سرمایه گذاری و سرزندگی اقتصاد محلی؛ مدیریت پسماند و کنترل انتشار کربن؛ زیست پذیری، رقابت پذیری و رفاه کلی مناطق.	خدمات / رفاه و امنیت
اوزلام (۲۰۰۹) رابرتز (۲۰۱۷) پورا احمد و همکاران (۱۴۰۱) کارتز و رابرتز (۲۰۱۷)	شکل جامع تری از راهبرد و عمل؛ چشم انداز راهبردی درازمدت؛ تعدال و موازنه میان سرمایه گذاری دولتی خصوصی و داوطلبانه؛ معرفی ایده جامع تری از پایداری زیست محیطی؛ تجزیه و تحلیل دقیق وضعیت منطقه شهری؛ تعیین اهداف عملیاتی شفاف و قابل محاسبه؛ سنجش میزان پیشرفت دستیابی به اهداف؛ نظارت بر ماهیت در حال تغییر و هم چنین کنترل تأثیر نیروهای داخلی و خارجی؛ تأمین منابع اضافی برای حفظ تعدال گسترده بین اهداف؛ پیش بینی جهت مدیریت طولانی مدت منطقه بازآفرینی شده؛ حکمروانی خوب شهری؛ اقتصاد چرخشی؛ مشخص کردن رابطه بین اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت؛ ایجاد شرایط پایه اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی قبل از مداخله سیاسی برای امکان ارزیابی تغییرات در طول زمان.	برنامه ریزی و مدیریت

بازآفرینی به کار گرفته شده است. در فرایندی که این سوپه طی می‌کند، ارزش‌های منظر فرهنگی بر اصول بازآفرینی وارد شده، این اصول از ارزش‌ها متأثر گشته و بازآفرینی در اصول و بنیان‌های نظری ارزش‌مدار می‌گردد. در سوپه بازگشت، بازآفرینی به‌عنوان راهبرد در راستای تجدید حیات منظرهای فرهنگی به کار گرفته شده است. در فرایند این سوپه، اقدامات اجرایی بر ارزش‌های منظر فرهنگی وارد گشته و ارزش‌ها به واسطه اقدامات مدیریتی، اجرایی و عملیاتی بازآفرینی، در عمل حفاظت و توسعه می‌یابند و بازآفرینی ارزش‌ها محقق می‌شود. مطابق با آنچه در جدول (۵) ذکر شده، در سوپه رفت این چهار چوب آنجا که منظر فرهنگی رویکرد است، در واقع وجه مفهومی، رویکردی و عاملی دارد، به این معنا که وجه مفهومی و رویکردی ارزش‌ها در بنیان‌های نظری و بن‌مایه‌های مفهومی بازآفرینی اثر گذاشته که در نهایت این ارزش‌ها خود را در تدوین و تبیین اصول بازآفرینی آشکار می‌کنند و مفاهیم و بنیان‌های بازآفرینی را تقویت کرده و تعالی می‌بخشند. اما آنجا که بازآفرینی راهبرد است، در واقع وجه ابزاری، کنش‌مند، اقدام‌گرا دارد و این وجه خود را در توان عملیاتی، اقدامات اجرایی و مدیریتی نشان می‌دهد. به عبارتی در این سوپه، ارزش‌های منظر فرهنگی در عمل و اجرا، حفاظت و توسعه یافته و از این مسیر،

منظرهای فرهنگی را احیا و تجدید کند، در ماهیت و بنیان نظری و تبیین و تدوین برنامه‌ریزی‌ها نیز ارزش محور و ارزش‌مدار گردد. در این تعامل چنانچه ارزش‌ها به‌عنوان وجه مفهومی، رویکردی، عاملی در ارتباط با اصول بازآفرینی قرار بگیرد، در ماهیت و بنیان نظری بازآفرینی ورود کرده و اصول بازآفرینی مبتنی بر ارزش‌ها شکل گرفته و ارزش‌مداری بازآفرینی تحقق می‌یابد. از طرف دیگر در صورتی که وجه کنش‌مندی، اقدامات، ابزارمندی بازآفرینی در ارتباط با ارزش‌ها قرار بگیرد به واسطه بهره‌مندی از توان اجرایی، مدیریتی، توسعه محوری و بهره‌وری از ظرفیت‌های بالقوه فرهنگی و طبیعی منظرهای فرهنگی است که می‌تواند حیات دوباره‌ای برای منظرهای فرهنگی آسیب‌دیده و متروک به ارمغان آورد و بازآفرینی ارزش‌ها روی می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

این پژوهش تلاش کرد چهار چوب دوسوپه‌ای میان بازآفرینی شهری و منظر فرهنگی تبیین کند، به نحوی که تعامل این دو موجب تکامل یکدیگر شده و نقاط قوت هر یک، نقاط ضعف دیگری را برطرف نماید. مدل نهایی این چهار چوب (تصویر ۵)، از دوسوپه رفت و برگشت تشکیل شده که در سوپه رفت، رویکرد منظر فرهنگی در جهت تعالی بخشی به مفاهیم



تصویر ۵. تبیین چهار چوب دوسوپه میان منظر فرهنگی و بازآفرینی شهری.

جدول ۵. چهار چوب دوسوپه میان منظر فرهنگی و بازآفرینی شهری.

سوپه بازگشت بازآفرینی ارزش‌ها	سوپه رفت ارزش‌مداری بازآفرینی
راهبرد: بازآفرینی شهری	رویکرد: منظر فرهنگی
وجه راهبردی: ابزاری، کنش‌مند، اقدام‌گرا	وجه رویکردی: عاملی، مفهومی، رویکردی
تجلی در اقدامات و عملیات اجرایی	تجلی در مفاهیم، اصول و بنیان‌های بازآفرینی شهری
تقویت اقدامات مدیریتی و عملیاتی، اجرایی منظرهای فرهنگی؛ تقویت ظرفیت‌های بالقوه منظرهای فرهنگی.	تقویت مفاهیم و بن‌مایه‌های نظری و مفهومی بازآفرینی شهری
اقدامات حفاظتی: حفاظت از ارزش‌های نخستین فرمی طبیعی و مصنوع	اصل شناخت و تعامل: شناخت عمیق و دقیق بسترهای طبیعی و فرهنگی؛ تجزیه و تحلیل و ادراک صحیح از نقاط ضعف و قوت بسترها؛ انعطاف‌پذیری و تعامل بازآفرینی شهری مطابق با ویژگی‌های کمی و کیفی بسترها.
اقدامات توسعه محور: توسعه ارزش‌های فعالیتی - اقتصادی از جمله کسب و کارهای محلی توسعه ارزش‌های فرهنگی - اقتصادی از جمله برگزاری آداب و رسوم و مراسم سنتی در قالب جشنواره‌ها و توسعه گردشگری، توسعه ارزش‌های نوین و جدید	اصل بهره‌مندی: بهره‌مندی از ظرفیت‌های بالقوه فرهنگی و طبیعی
اقدامات مدیریتی: دقت نظر در انتخاب اولویت بین اقدامات حفاظتی و اقدامات توسعه محور؛ تلاش برای مشارکت دادن افراد بومی و محلی.	اصل تکوین و تداوم: خلق و استمرار ارزش‌های درگذر زمان در امتداد ارزش‌های نخستین؛ خاطره‌انگیزی، حس هویت، حس مکان، تعلق به مکان، انعطاف‌پذیری فضایی و تنوع کاربری.



از مفهوم ارزش های منظر فرهنگی در سطح مفهومی و شناختی غنا یافته و ارزش های منظر فرهنگی تحت تأثیر توان اجرایی بازآفرینی، در سطح عملیاتی و مدیریتی، حفاظت و توسعه می یابند. ارزش ها، مفاهیم نظری بازآفرینی را ارتقاء داده و اقدامات مدیریتی و اجرایی بازآفرینی، حفاظت و توسعه مدیریت شده و برنامه ریزی شده ارزش های منظر فرهنگی را در عمل تحقق می بخشد که در نهایت ارتباطی دوسویه و متعامل میان منظر فرهنگی و بازآفرینی شهری ایجاد می شود.

بازآفرینی و تجدید حیات ارزش ها تحقق می یابد. در راستای ارزش مداری بازآفرینی، از جمله اصولی که بن مایه های نظری و مفهومی بازآفرینی را ارتقاء می دهند، می توان به اصل شناخت و تعامل، اصل بهره مندی و اصل تکوین و تداوم دست یافت. در جهت بازآفرینی ارزش ها، اقداماتی که برای حفاظت و توسعه منظرهای فرهنگی انجام می گیرد در حیطه اقدامات مدیریتی، حفاظتی و توسعه محورانه است.

این چارچوب دوسویه ارتباطی دوطرفه و پایدار میان بنیان های مفهومی و اقدامات عملی ایجاد کرده، به نحوی که اصول بازآفرینی متأثر

### پی نوشت ها

1. Nature-Based Solutions.
2. Society-Based Solutions.
3. Simon Schama.

### فهرست منابع

در شهر باز خوانی مدل توسعه شهر یزد از منظر تعامل میان رویکردهای توسعه و حفاظت از بخش های قدیم در بازه زمانی قرن ۵ تا ۱۳ هجری. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۰ (۱)، ۴۱-۵۴. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2015.56370>

فرخ زنوزی، عباس (۱۳۸۰). ضرورت نوزایی شهری. هفت شهر، ۱ (۴)، ۶-۱۵. [https://www.haftshahrjournal.ir/article\\_8496\\_b6027b42f3\\_a23582c152c8068a17dfb3.pdf](https://www.haftshahrjournal.ir/article_8496_b6027b42f3_a23582c152c8068a17dfb3.pdf)

فلاح، محمدصادق؛ کلامی، مریم و نجات، مهدیس (۱۴۰۳). بهبودبخشی بسترهای تاریخی و طبیعی شهری با بهره گیری از رویکرد منظر فرهنگی. معماری اقلیم گرم و خشک، ۱۱ (۱۸)، ۱۳۳-۱۴۷. <https://doi.org/10.22034/ahdc.2024.20860.1775>

فلاح، محمدصادق؛ کمالی، لیلا و شهیدی، صمد (۱۳۹۶). نقش مفهوم حس مکان در ارتقای کیفیت حفاظت معماری. باغ نظر، ۱۴ (۴۶)، ۱۵-۲۲. [https://www.bagh-sj.com/article\\_44351\\_aa8ca24637163ab-5badfe748a79d57a2.pdf](https://www.bagh-sj.com/article_44351_aa8ca24637163ab-5badfe748a79d57a2.pdf)

مسعود، سید احسان؛ عشرتی، پرستو؛ فیضی، محسن و عینی فر، علیرضا (۱۳۹۸). توسعه چارچوب مفهومی ارزش در بازطراحی معماری داخلی استفاده مجدد بناهای واجد ارزش نمونه موردی: زندان قصر به عنوان باغ موزه. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۴ (۳)، ۹۷-۱۱۰. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2019.272539.672192>

Abbaszadeh, M., Mohammadmoradi, A., Amirkabirian, A., Ayashm, M., & Soltanahmadi, E. (2019). Providing value-based model for application of architectural heritage value in adopting conservation practices Case Study: Takht-e Soleiman World Heritage Collection. *Scientific Journal of Maremat & Me'mari-e Iran (quarterly)*, 8(16), 125-142. <http://mmi.aui.ac.ir/article-1-506-fa.html> (In Persian)

Appelbaum, B. (2007). *Conservation Treatment Methodology*. oxford: Butterworth-heinemann/elsevier.

Ashworth, G. J., & Tunbridge, J. E. (2017). Multiple approaches to heritage in urban regeneration: the case of City Gate, Valletta. *Journal of Urban Design*, 22(4), 494-501. <https://doi.org/10.1080/13574809.2015.1133230>

Alpopi, C., & Manole, C. (2013). Integrated Urban Regeneration – Solution for Cities Revitalize *Procedia Economics and Finance*, 6, 178–185. [https://doi.org/10.1016/S2212-5671\(13\)00130-5](https://doi.org/10.1016/S2212-5671(13)00130-5)

Bratuškis, U., Zaleckis, K., Treija, S., Koroļova, A., & Kamičaitytė, J. (2020). Digital information tools for urban regeneration: Capital's approach in theory and practice. *Sustainability*, 12(19), 8082. <https://doi.org/10.3390/su12198082>

اندرودی، الهام و صحراکاران، بتول (۲۰۱۷). اصول و راهبردهای حفاظت از منظر فرهنگی باغستان بومی تاریخی شهر قزوین با تمرکز بر میراث مصنوع. صفه، ۲۷ (۴)، ۹۳-۱۱۰. [https://soffeh.sbu.ac.ir/article\\_100424\\_062fb3a9\\_df97882b20240977145a0a12.pdf](https://soffeh.sbu.ac.ir/article_100424_062fb3a9_df97882b20240977145a0a12.pdf)

بهشتی، محمد؛ نجفی، الناز و ابوترابیان، بهنام (۱۴۰۱). *ایران کجاست، ایرانی کیست* (دفتر اول: منظر فرهنگی). تهران: انتشارات روزنه.

پوراحمد، احمد؛ حبیبی، کیومرث و کشاورز، مهناز (۱۳۸۹). سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت های فرسوده شهری. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۱ (۱)، ۷۳-۹۲. <https://www.sid.ir/paper/177341/fa>

پوراحمد، احمد؛ حمیدی، اکبر؛ حاتمی نژاد، حسین و زنگنه شهرکی، سعید (۱۴۰۱). مرور و تحلیل محتوای کیفی بنیان های نظری بازآفرینی شهری. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۱۲ (۴۷)، ۱-۱۷. <https://iic.ihss.ac.ir/Article/39972/FullText>

حبیبی، سید محسن و مقصودی، ملیحه (۱۳۸۲). اصطلاحات و واژه شناسی مرمت. هفت شهر، ۱ (۱۲ و ۱۳)، ۴-۸. <https://www.sid.ir/paper/435726/fa>

حناچی، پیروز و فدایی نژاد، سمیه (۱۳۹۰). تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بافت های فرهنگی - تاریخی. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۳ (۴۶)، ۱۵-۲۶. [https://jfaup.ut.ac.ir/article\\_25057\\_e8684204648378134d174d3adf458750.pdf](https://jfaup.ut.ac.ir/article_25057_e8684204648378134d174d3adf458750.pdf)

ستایش مهر، محمود؛ ناسخیان، شهریار و ولی بیگ، نیما (۱۴۰۱). مقایسه بازآفرینی شهری و حفاظت شهری در گستره فرایند تغییر (از دیدگاه اندیشمندان معاصر). *باغ نظر*، ۱۹ (۱۱۲)، ۶۷-۸۰. <https://doi.org/10.22034/bagh.2022.313140.5032>

صحی زاده، مهشید و ایزدی، محمدسعید (۱۳۸۳). حفاظت و توسعه شهری، دو رویکرد مکمل یا مغایر. *آبادی*، ۱۴ (۴۵)، ۱۲-۲۱. <https://bookmart.ir/product/abadi-45/>

طالبیان، محمدحسن و فلاح، محمدصادق (۱۳۸۸). *منظرهای فرهنگی، مجموعه مباحث کارگاه کارشناسی ارتقاء مدیریت و برنامه ریزی منظرهای فرهنگی میراث جهانی، تخت جمشید خرداد ماه ۱۳۸۵*. بنیاد پژوهشی پارسه-پاسارگاد، سازمان میراث فرهنگی، دفتر امور فرهنگی، اداره برنامه ریزی نشر.

طهماسبی، مرضیه و حقیقت بین، مهدی (۱۴۰۰). نقش بازآفرینی مناظر فرهنگی در توسعه پایدار. *یازدهمین کنفرانس بین المللی توسعه پایدار و عمران شهری*. <https://www.sid.ir/paper/901786/fa>

عدالی، سمیرا و عباسی هررفته، محسن (۱۳۹۴). نسبت توسعه و حفاظت



- Brown, D. G. (2001). Characterizing the Human Imprint on Landscapes for Ecological Assessment. In M. E. Jensen & P. S. Bourgeron (Eds.), *A Guidebook for Integrated Ecological Assessments* (pp. 404-415). Springer New York. [https://doi.org/10.1007/978-1-4419-8620-7\\_28](https://doi.org/10.1007/978-1-4419-8620-7_28)
- Brown, J., Mitchell, N., & Beresford, M. (2005). *The protected landscape approach: linking nature, culture and community*. IUCN – The World Conservation Union.
- Burgos Vargas, C., & Mora Alonso-Muñoyerro, S. (2022). About the validity of Alois Riegl's The Modern Cult of Monuments. *Journal of Architectural Conservation*, 28(3), 183-196. <https://doi.org/10.1080/13556207.2022.2045807>
- Carmon, N. (1999). Three generations of urban renewal policies: analysis and policy implications. *Geoforum*, 30(2), 145-158. [https://doi.org/10.1016/S0016-7185\(99\)00012-3](https://doi.org/10.1016/S0016-7185(99)00012-3)
- Carter, A., & Roberts, P. (2017). *Strategy and Partnership in Urban Regeneration*. In P. Roberts, H. Sykes, & R. Granger (Eds.), *Urban Regeneration*. SAGE.
- Charter, B. (1997). *Charter for Places of Cultural Significance Australia ICOMOS* (revised in 1999).
- Feilden, B. (2003). *Conservation of historic buildings*. Oxford: Elsevier.
- Feilden, B. M., & Jokilehto, J. (1998). *Management guidelines for world cultural heritage sites*. ICCROM, Rome.
- Galdini, R. (2005). Urban Regeneration Process - The Case Of Genoa, An Example Of Integrated Urban Development Approach, *45th Congress of the European Regional Science Association (ERSA): Land Use and Water Management in a Sustainable Network Society, Amsterdam*.
- Gunay, Z. (2010). "Conservation versus Regeneration?: Case of European Capital of Culture 2010 Istanbul. *European Planning Studies*, 18(8), 1173-1186. <https://doi.org/10.1080/09654311003791234>
- Güzey, Ö. (2009). Urban regeneration and increased competitive power: Ankara in an era of globalization. *Cities*, 26(1), 27-37. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2008.11.006>
- Hassan, G. F. (2012). Regeneration as an approach for the development of informal settlements in Cairo metropolitan. *Alexandria Engineering Journal*, 51(3), 229-239. <https://doi.org/10.1016/j.aej.2012.02.003>
- ICOMOS. (1994). *Nara Document on Authenticity*, Accessed March 17, 2016.
- Izadi, A., Mohammadi, M., Nasekhian, S., & Memar, S. (2020). Structural functionalism, social sustainability and the historic environment: a role for theory in urban regeneration. *The Historic Environment: Policy & Practice*, 11(2-3), 158-180. <https://doi.org/10.1080/17567505.2020.1723248>
- Jones, M. (2003). *The Concept of Cultural Landscape: Discourse and Narratives*. In H. Palang & G. Fry (Eds.), *Landscape Interfaces: Cultural Heritage in Changing Landscape* (pp. 21-51). Springer Netherlands. [https://doi.org/10.1007/978-94-017-0189-1\\_3](https://doi.org/10.1007/978-94-017-0189-1_3)
- Jones, P., & Evans, J. (2008). *Urban Regeneration in the UK*. SAGE Publications. <https://doi.org/10.4135/9781446269381>
- Kocabas, A., & Gibson, M. (2002). London: Sustainable Regeneration - Challenge and Response Proceedings - *1st International Urban Design Symposium, Istanbul*.
- Konijnendijk, C. C. (2008). *The Forest and the City: The Cultural Landscape of Urban Woodland*. Springer Netherlands.
- La Rosa, D., Privitera, R., Barbarossa, L., & La Greca, P. (2017). Assessing spatial benefits of urban regeneration programs in a highly vulnerable urban context: A case study in Catania, Italy. *Landscape and Urban Planning*, 157, 180-192. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2016.05.031>
- Lak, A., Sharifi, A., Khazaei, M., & Aghamolaei, R. (2021). Towards a framework for driving sustainable urban regeneration with ecosystem services. *Land Use Policy*, 111, 105736. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2021.105736>
- Lazarević, S., Arbutina, D., & Popović, S. G. (2022). The Role of the Archeological Heritage Sites in the Process of Urban Regeneration of UNESCO's Cities - Boka Bay Case Study. *Sustainability*, 14(3:1566). <https://doi.org/doi.org/10.3390/su14031566>
- Lichfield, N. (2009). *Economics in urban conservation*. Cambridge University Press.
- Nocca, F., & Fusco Girard, L. (2018). Towards an Integrated Evaluation Approach for Cultural Urban Landscape Conservation/Regeneration. *Region*, 5(1), 33-51. <https://doi.org/10.18335/region.v5i1.160>. <https://openjournals.wu-wien.ac.at/ojs/index.php/region/article/view/160>
- O'Donnell, P. M. (2008). Urban cultural landscapes and the Spirit of Place. *16th ICOMOS General Assembly and International Symposium*.
- Pourjafar, M., & Dehghani, F. (2011). Role of Cultural Landscapes Regeneration in the Enhancement of the Quality of Citizen Life (case study: Zandieh Complex of Shiraz). *Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*, 1(1), 81-94. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.1390.1.1.6.9> (In Persian)
- Rățulea, G. G., Csesznek, C., Borcoman, M., & Sorea, D. (2023). Cultural Landscape as a Resource for Urban Regeneration in Rupea (Romania). *Land*, 12(11), 1985. <https://doi.org/10.3390/land12111985>
- Roberts, P. (2017). *The Evolution, Definition and Purpose of Urban Regeneration*. In P. Roberts, H. Sykes, & R. Granger (Eds.), *Urban Regeneration*. SAGE.
- Sadeghian, H., Khalili, A., & Nayeri fallah, S. (2020). Cultural Landscape Components of Abbasabad city of Mazandaran. *Scientific Journal of Maremat & Me'mari-e Iran (quarterly)*, 10(24), 43-62. <https://doi.org/10.52547/mmi.10.24.43> (In Persian).
- Stephenson, J. (2008). The Cultural Values Model: An integrated approach to values in landscapes. *Landscape and Urban Planning*, 84(2), 127-139. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2007.07.003>
- Tallon, A. (2010). *Urban Regeneration in the UK*. Routledge.

Tan, X., & Altrock, U. (2016). Struggling for an adaptive strategy? Discourse analysis of urban regeneration processes - A case study of Enning Road in Guangzhou City. *Habitat International*, 56, 245-257. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2016.06.006>

Tsenkova, S. (2003). Chapter 1: *Urban Regeneration: Learning from the British Experience*. In S. Tsenkova (Ed.), *Urban Regeneration: learning from the British Experience*. Faculty of Environmental Design, University of Calgary. <https://books.google.com/books?id=BueOAAAACAAJ>

UNESCO. (1972). Convention Concerning The Protection Of The World Cultural And Natural Heritage, Adopted by the General Conference at its seventeenth session.

UNESCO. (2002). Investing in World Heritage: past achievements, future ambitions. A guide to International Assistance. In Paris.

UNESCO. (2021). Operational Guidelines for the Implementation of the World Heritage Convention.

Wahurwagh, A., & Dongre, A. (2015). Burhanpur Cultural Landscape Conservation: Inspiring Quality for Sustainable Regeneration. *Sustainability*, 7, 932-946. <https://doi.org/10.3390/su7010932>

Xiang, P., Yang, Y., & Li, Z. (2020). Theoretical Framework of Inclusive Urban Regeneration Combining Nature-Based Solutions with Society-Based Solutions. *Journal of Urban Planning and Development*, 146(2), 04020009-04020001, 04020011. [https://doi.org/10.1061/\(ASCE\)UP.1943-5444.0000571](https://doi.org/10.1061/(ASCE)UP.1943-5444.0000571)

Zhang, Y. (2024). How Does Cultural Planning Empower Historic District and Urban Regeneration-Case in the China Baroque Historical Street in Daowai District, Harbin. *Highlights in Business, Economics and Management*, 26, 197-203. <https://doi.org/doi.org/10.54097/rsv0gm42>

Ziyace, M. (2018). Assessment of urban identity through a matrix of cultural landscapes. *Cities*, 74, 21-31. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.10.021>